

سریال های رضانی؛ عاشقانه‌هایی برای جراحات‌های خانوادگی

سریال‌های ماه رضانی را می‌توان جزو بهترین آثاری به‌شمار آورد که در طول سال در تلویزیون تولید و از شبکه‌های مختلف به نمایش درمی‌آیند.



سریال‌های ماه رضانی را می‌توان جزو بهترین آثاری به‌شمار آورد که در طول سال در تلویزیون تولید و از شبکه‌های مختلف به نمایش درمی‌آیند.

این موفقیت دلایل زیادی دارد؛ این سریال‌ها معمولاً در 30 قسمت تولید می‌شوند به همین دلیل معمولاً قصه‌های پر و پیمانی دارند که می‌تواند 30 قسمت را پوشش دهد. سریال‌های ماه رمضان در یکی از بهترین و معنوی‌ترین ماه‌های سال پخش می‌شود به همین دلیل نظارت بر ساخت آنها بیشتر است و سازندگانی برای تولید سریال‌های رضانی انتخاب می‌شوند که کارشان را بلد هستند و دغدغه‌های ویژه‌ای هم دارند که ورای پر کردن آنتن یا افزودن یک اثر به کارنامه کاری‌شان است.

سریال‌های ماه رمضان این امتیاز را هم دارند که همه اعضای خانواده در کنار هم این آثار را تماشا می‌کنند. بعد از افطار فرصتی فراهم می‌شود تا اعضای خانواده دور هم جمع شوند و این بهترین زمانی است که تلویزیون می‌تواند تولیدات خود را عرضه کند و ارزیابی درست و دقیقی از آنها داشته باشد چون در این شرایط نمایندگانی از هر گروه سنی این سریال‌ها را می‌بینند و این معیار خوبی است تا مدیران تلویزیون متوجه شوند که مردم چه داستان‌هایی را بیشتر دوست دارند و چه موضوعاتی می‌تواند خانواده را به بیننده تلویزیون تبدیل کند.

با نگاهی به سریال‌هایی که در ماه رمضان چند سال گذشته پخش شده است می‌توان به این نتیجه رسید که دو دسته از سریال‌ها بیننده بیشتری دارند؛ یک گروه آنهایی هستند که موضوع ماورایی و دینی دارند و گروه دیگر سریال‌هایی هستند که داستان‌شان درباره خانواده است و نویسنده فیلمنامه برای اعضای خانواده داستان نوشته است و به نوعی به همه آنها توجه کرده است؛ هم به پدر و مادر و هم به فرزندان. تاکنون کارگردانان کاربلد و مطرحی سریال‌های ماورایی و ملودرام و خانوادگی را کارگردانی کرده‌اند که برخی از آنها را می‌توان جزو آثار ماندگار تلویزیون دانست.

میوه ممنوعه؛ عشق علیه خانواده

سریال «میوه ممنوعه» به کارگردانی حسن فتحی را باید یک اتفاق در تلویزیون دانست. این سریال که رمضان سال 86 از شبکه دو پخش شد، توانست مخاطبان زیادی را پای خود بنشاند و این فرضیه را مردود کند که سریال‌های مناسبی فقط برای عموم مردم تولید می‌شوند و خواص و اهل فکر و نظر این سریال‌ها را تماشا نمی‌کنند. میوه ممنوعه داستانی اجتماعی و عاشقانه داشت که به هر دو وجه به خوبی پرداخته بود. تم عاشقانه در این سریال هر چند درباره پیرمردی بود که عاشق دختر جوانی می‌شد، اما از این تم برای جلب نظر مخاطب استفاده نشده بود. حسن فتحی هوشمندانه به این موضوع نگاه و در کنار آن، مسائل اقتصادی و اجتماعی روز را هم مطرح کرده و به اندازه‌ای که برای یک سریال تلویزیونی مقدور است به واکاوی این مسائل پرداخته بود.

بازی‌های خوب بازیگران سرشناس از جمله علی نصیریان، گوهر خیراندیش و هانیه توسلی که نقش‌های اصلی را بازی می‌کردند سریال میوه ممنوعه را دیدنی‌تر کرد. امیر جعفری که پیش از این سریال در کارهای کمدی بازی می‌کرد، فرصت این را یافت تا خودی نشان دهد و از قالب نقش‌های کلیشه‌ای خارج شده و به بازیگر پرکار آثار جدی سینما و تلویزیون تبدیل شود.

میوه ممنوعه چند خانواده را ترسیم کرد و نشان داد که مدیریت والدین تأثیر بسزایی در رفتار فرزندان و موفقیت خانواده دارد. نکته قابل تامل در سریال میوه ممنوعه این بود که داستان و اتفاقات اصلی در یک خانواده متدین می‌افتاد و مردی مذهبی با داشتن سن بالا دچار لغزش اخلاقی می‌شد. میوه ممنوعه، ممنوعیت نزدیک شدن به افراد متدین و مذهبی در تلویزیون را حذف کرد و نشان داد که این افراد چون معصوم نیستند دچار لغزش می‌شوند. بعد از میوه ممنوعه بود که سریال‌هایی با این موضوع بیشتر در تلویزیون تولید شد.

روز حسرت؛ دینداری و خانواده‌داری

سیروس مقدم هم در سریال «روز حسرت» که ماه رمضان سال 87 از شبکه یک پخش شد از چند زاویه موضوع خانواده را به نمایش گذاشت. اول این‌که اتفاقات این سریال درباره پسر جوانی بود که در یک خانواده متدین بزرگ شده بود و پدر و مادرش هر دو به اصول مذهبی اعتقاد داشتند. از طرفی زندگی زن جوانی به تصویر کشیده شد که به بیراهه می‌رفت و در خلال داستان بازگو می‌شد که خطاکاری او ریشه در خانواده او دارد که از هم‌گسسته و بی‌ضابطه بوده است.

در روز حسرت مادر خانواده (افسانه بایگان) به ورای دنیای مادی سیر می‌کرد و به نوعی از عقوبت انسان‌ها در آن دنیا باخبر می‌شد. او وکیل بود و با داشتن این شغل حساس تلاش می‌کرد همیشه جانب حق را بگیرد. پدر خانواده (فرامرز قریبیان) صاحب کارخانه بود. او هم تلاش می‌کرد مال حرام را به زندگی و کارش وارد نکند، اما پسرش (پوریا پورسرخ) چندان اعتقادات محکمی نداشت، برای همین گاهی به خطا می‌رفت و به مال حلال و حرام چندان پایبند نبود. در ادامه سریال همان‌گونه که پسر و مادر در آزمون‌های سخت قرار می‌گرفتند، این راز هم برملا شد که پسر، فرزند واقعی این خانواده متدین نیست و....

در روز حسرت در کنار مسائل مذهبی و چارچوب‌های اخلاقی که اعضای خانواده باید آن را رعایت کنند، نویسنده و کارگردان این سریال روی موضوع مال حرام و نتایج بد آن در روند زندگی هم تمرکز کرده بودند. روز حسرت از سریال‌هایی بود که هم بُعد معنوی داشت و هم خانوادگی برای همین تعداد زیادی از مردم را بیننده خود کرده بود.

سقوط یک فرشته؛ پدر، مادر، فرزند

سریال «سقوط یک فرشته» به کارگردانی بهرام بهرامیان هم از آن سریال‌هایی بود که مردم زیادی را پای تلویزیون نشانده. تم خانوادگی و مذهبی این سریال باعث شد تا عموم مردم داستان این سریال را پیگیری کرده و پدر و مادرها تلاش کنند در خلال داستان پرفراز و نشیب این سریال، نقاط ضعف و قوت خود را در زمینه تربیت فرزندان پیدا کنند.

سقوط یک فرشته موضوعاتی مانند دینداری، توجه به اصول و فروع دین، زیاده‌خواهی، انتقام و... را در فضای ملودرام بازگو می‌کرد. شخصیت‌های اصلی این سریال دو دختر و یک پسر جوان بودند که هم درگیر احساسات این سن بودند و هم میان دین و اصول مذهبی و بی‌قیدی باید یکی را انتخاب می‌کردند. این انتخاب آنها را در مسیرهای مختلف قرار می‌داد و نتیجه رفتار و انتخابشان را به تصویر می‌کشید. در کنار این جوانان پدر و مادرهایی هم قرار داشتند که آنها هم با نوع برخورد و انتخاب‌هایشان این سه جوان را در راهی که قدم گذاشته بودند یا تقویت می‌کردند یا بازمی‌داشتند.

سقوط یک فرشته هم یکی از کارهای ماندگار تلویزیون است که از شبکه یک پخش شد و توانست نظرهای زیادی را به خود معطوف کرده و افراد زیادی را وادار به واکنش مثبت و منفی کند. در این سریال شیطان حضوری فعال داشت ولی چون دیده نمی‌شد و در بیشتر قسمت‌های سریال فقط صدایش شنیده می‌شد برای مردم جذابیت داشت. اما این مساله مذهبی و دینی در فضای یک خانواده با چالش‌های زیاد روایت شد و توانست از سقوط یک فرشته، سریالی چندبُعدی بسازد. این سریال از منظر خانوادگی حرف‌های زیادی داشت و نشان می‌داد که پدر و نوع برخورد و رابطه او با فرزندان چقدر در آینده آنها و تصمیماتی که می‌گیرند اهمیت دارد.

سریال سقوط یک فرشته این امتیاز را هم داشت که جوانان را هم به مخاطبان خود تبدیل کند چون شخصیت‌های محوری آن جوان بودند و با مسائلی روبه‌رو بودند که امکان دارد برای هر جوانی پیش بیاید. ارتباط بین دختر و پسر این سریال و نمایش نتیجه یک رابطه اشتباه باعث شد کارشناسان حوزه خانواده از این سریال و نوع پردازش داستان و ساختار روایی آن استقبال کنند.

جراحت؛ زخم‌های دیروز

سریال «جراحت» ساخته محمدمهدی عسگری هم از سریال‌های خوب خانوادگی است که ماه رمضان سال 89 از شبکه سه پخش شد و بسیاری از خانواده‌ها را بیننده خود کرد. این سریال هم این قوت را داشت که برای همه اعضای خانواده داستانی داشته باشد و آنها را درگیر کند. جراحت که براساس فیلمنامه‌ای از سعید نعمت‌الله ساخته شد، داستانی چندلایه داشت و به گذشته آدم‌های قصه نقب می‌زد و زخم‌ها را پیدا می‌کرد و تا پایان سریال برای آنها مرهمی پیشنهاد می‌داد.

قصه عشق دخترعمو و پسرعمو، مادر بزرگ غمخواری که کنار پسرهایش بود و به آنها کمک می‌کرد، دامادی که مانده بود بین همسر و فرزندش طرف پدر را بگیرد یا پدرزن را و... باعث شد تا جراحت به یکی از آثار ماندگار تلویزیون تبدیل شود.

در این سریال هم موضوعات اقتصادی، اجتماعی و خانوادگی بازگو می‌شد و همین باعث شد تا طیف وسیعی از مردم از خواص و عوام بیننده آن شوند. عسگری که بین منتقدان به‌واسطه فیلم‌هایی که ساخته و مدیریت‌هایی که به‌عهده داشته، محبوبیت دارد، توانست با جراحت نشان دهد سینما با تلویزیون برایش فرقی ندارد و می‌تواند از یک فیلمنامه خوب کار آبرومندی بسازد. حضور بازیگرانی مانند امین تارخ، آتنه فقیه‌نصیری، ثریا قاسمی و بازیگران جوانی مانند هستی مهدوی‌فر و یاسر جعفری که در این سریال نقش دخترعمو و پسرعمو را بازی می‌کردند باعث جذابیت بیشتر جراحت شد.

مادرانه؛ کینه‌های زن و شوهری

سریال «مادرانه» ماه رمضان سال گذشته از شبکه سه پخش شد و خیلی زود توانست بین مردم طرفداران زیادی پیدا کند. باز هم یک سریال خانوادگی توانسته بود رگ خواب مخاطبان را پیدا کند و در دل داستانی پرفرازونشیب و عاشقانه قصه آدم‌های مختلف را بگوید که با انتخاب‌های درست و اشتباه خود گاهی به پیش می‌رفتند و گاهی به پس.

مادرانه در اصل قصه پدری بود که می‌خواست به هر طریقی که شده فرزندان خود را زیر سقف خانه خود نگه دارد و در غیاب مادری که سال‌ها پیش آنها را ترک کرده بود، برای فرزندان هم پدر باشد هم مادر. اما این پدر که ثروت‌اندوزی را هم دوست داشت، جاهایی راه را به خطا رفته بود و اکنون هم خانواده‌اش را از دست داده بود و هم ثروت بادآورده‌اش را. اما یک عشق قدیمی و یک دوست دیرینه به او کمک کردند تا او بار دیگر بتواند به خانواده فکر کرده و تلاش کند که اعضای خانواده را دور هم جمع کند.

فیلمنامه مادرانه جذابیت‌های یک قصه عامه‌پسند را داشت و براساس متدهای کلاسیک و قدیمی نوشته شده بود که هم مردم را سرگرم می‌کرد و هم به آنها یاد می‌داد که چگونه راه را از چاه بشناسند و به بیراهه نروند. به مردم یادآوری می‌کرد که فرزندی راه خود را دارد همان‌گونه که همسر داری هم روش‌های ویژه‌ای دارد که نباید آنها را دست‌کم گرفت یا ساده از کنار آنها گذشت.

بازی خوب مهدی سلطانی در نقش پدر باعث شد تا سریال مادرانه در میان آثاری که ماه رمضان سال گذشته پخش شد خودی

بنمایاند و بیشتر از بقیه بیننده داشته باشد. البته در این میان نباید از بازی خوب لعیا زنگنه و مهرداد ضیایی غافل شد که با حضور موثر و نقش آفرینی بجا و مناسب توانستند چهره یک همسر ناسازگار و یک دوست خوب و قابل اعتماد را به نمایش بگذارند.

مدینه؛ راه رستگاری

رمضان امسال هم برای چندمین بار سیروس مقدم به سراغ فیلمنامه‌ای از سعید نعمت‌الله رفت و داستانی زنانه و خانوادگی را برای ساخت انتخاب کرد. «مدینه» که از شبکه یک پخش می‌شود، داستان چند شخصیت مختلف است که اعضای چند خانواده را تشکیل می‌دهند، اما محور ماجراها دو زن هستند که همسران مردی به نام جهان بوده‌اند. اکنون جهان مُرده و زن اول که روحی نام دارد تصمیم دارد انتقام همه سال‌هایی که جهان او را طلاق داده و با مدینه ازدواج کرده، از مدینه بگیرد. بهمن پسر روحی و جهان این وسط مانند گوشت قربانی تکه‌تکه می‌شود. بهمن در اصل پسر روحی است اما مدینه او را بزرگ کرده است. بهمن هم به مدینه علاقه دارد و او را مادر خطاب می‌کند و روحی را مادر خود می‌داند و در گرفتاری‌ها به او پناه می‌برد. کارخانه جهان که به این سه نفر ارث رسیده، باعث می‌شود تا اتفاقاتی برای مدینه که شخصیت کاملاً مثبت سریال است، روحی که شخصیت منفی قصه است و بهمن که شخصیت خاکستری است، رخ بدهد.

در مدینه به مال حرام و حلال، نزول‌خواری، اخلاق، زیاده‌خواهی، اعتیاد و... پرداخته می‌شود؛ اما آنچه تاکنون خیمه مدینه بوده و مردم را مخاطب آن نگه داشته، از هم‌پاشیدگی خانواده است و این‌که مردم دوست دارند در کنار یک سریال تلویزیونی ببینند آدم‌های قصه با این همه مشکلات چه سرانجامی پیدا می‌کنند.

ماه رمضان فرصت سی روزه برای کارگردانان است تا بهترین داستان‌ها را در قالب سریال‌های خوب و کم‌خطا به مردم ارائه کنند و با بازتابی که از این آثار می‌گیرند، متوجه شوند که نیاز روز مردم برای دیدن آثار تلویزیونی چیست و مخاطبان این رسانه چه نوع بازی، تعلیق و ساختارهایی را بهتر و بیشتر می‌پسندند. درواقع آثار ماه‌های رمضان می‌تواند الگوی سریال‌سازی در ماه‌های دیگر سال را برای مدیران و کارگردانان مشخص کند.

طاهره آشیانی / گروه رادیو و تلویزیون